

بے ساختہ

توربین  
ہیکنگ ہربان



ہوپا  
Hoopa

# تورفین و گنج وحشتناک

نویسنده: دیوید مک فیل  
تصویرگر: ریچارد مورگان

مترجم: عذرا جوزدانی

هوپا  
Hoopa



Thorfinn and the Terrible Treasure.  
Text © 2016 David MacPhail.  
Illustrations © 2016 Floris Books.  
First published in 2016 by Floris Books.  
All rights reserved.

نشر هوپا با همکاری آژانس ادبی کیا در چهارچوب قانون بین‌المللی حق انحصاری نشر اثر (Copyright) امتیاز انتشار ترجمه‌ی فارسی این کتاب را در سراسر دنیا با بستن قرارداد از ناشر آن Floris Books خریداری کرده است.

رعایت «کپی‌رایت» یعنی چه؟  
یعنی «نشر هوپا» از نویسنده‌ی کتاب، دیوید مک‌فیل، و ناشر خارجی آن، فلوریس بوکز، برای چاپ این کتاب به زبان فارسی در ایران و همه‌جای دنیا اجازه گرفته و بابت انتشارش، سهم نویسنده، یعنی صاحب واقعی کتاب را پرداخت کرده است.  
اگر هر ناشری غیر از هوپا، این کتاب را به زبان فارسی در ایران یا هر جای دنیا چاپ کند، بدون اجازه و رضایت دیوید مک‌فیل این کار را کرده است.

برای هازل، این و ساموئل  
دیوید مک‌فیل  
برای وایکینگ هارلت ابرو و گوشت کوبی  
ریچارد مورگان



سرشناسه: مک‌فیل، دیوید  
عنوان و نام پدیدآور: تورفین و گنج وحشتناک / نویسنده  
دیوید مک‌فیل؛ تصویرگر ریچارد مورگان؛ مترجم عدرا جوزدانی.  
مشخصات نشر: تهران: نشر هوپا، ۱۳۹۶.  
مشخصات ظاهری: ۱-۳۵-۸۸۶۹-۶۰۰-۹۷۸؛ ۶-فروست: تورفین، وایکینگ مهربان؛  
وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا  
یادداشت: عنوان اصلی: c2016. Thorfinn and the Terrible Treasure.  
یادداشت: گروه سنی: ج.

موضوع: داستان‌های اسکاتلندی  
موضوع: Scottish fiction  
شناسه افزوده: مورگان، ریچارد، ۱۹۶۶-م. تصویرگر  
Morgan, Richard  
شناسه افزوده: جوزدانی، عدرا، ۱۳۴۷- مترجم  
رده‌بندی دیوپی: ۱۳۹۶ ت گ ۷۳۹، ۱۴۸۲۳/۹۱۴  
شماره کتابشناسی ملی: ۵۰۴۰۳۲۹

تورفین  
وایکینگ مهربان

تورفین  
و گنج وحشتناک

نویسنده: دیوید مک‌فیل  
تصویرگر: ریچارد مورگان  
مترجم: عدرا جوزدانی  
ویراستار: ر. لاجوردی  
مدیرهنری: فرشاد رستمی  
طراح گرافیک: بهار یونس‌زاده  
ناظر چاپ: سینا برازوان  
لیتوگرافی، چاپ و صحافی: واژه پرداز اندیشه  
چاپ اول: ۱۳۹۷  
تیراژ: ۲۰۰۰ نسخه  
قیمت: ۱۶۰۰۰ تومان  
شابک دوره: ۱-۳۵-۸۸۶۹-۶۰۰-۹۷۸  
شابک: ۹-۵۵-۸۸۶۹-۶۰۰-۹۷۸





هَرولَدِ جَمجمه خَر دُكُن  
رئیس ایندگار



تورفین  
خیلی خیلی مهربان



ألاف پسر اریک  
گوش گوشت کوبی



مگنِس  
استخوان خَر دُكُن



أَسوالد  
داناك ایندگار



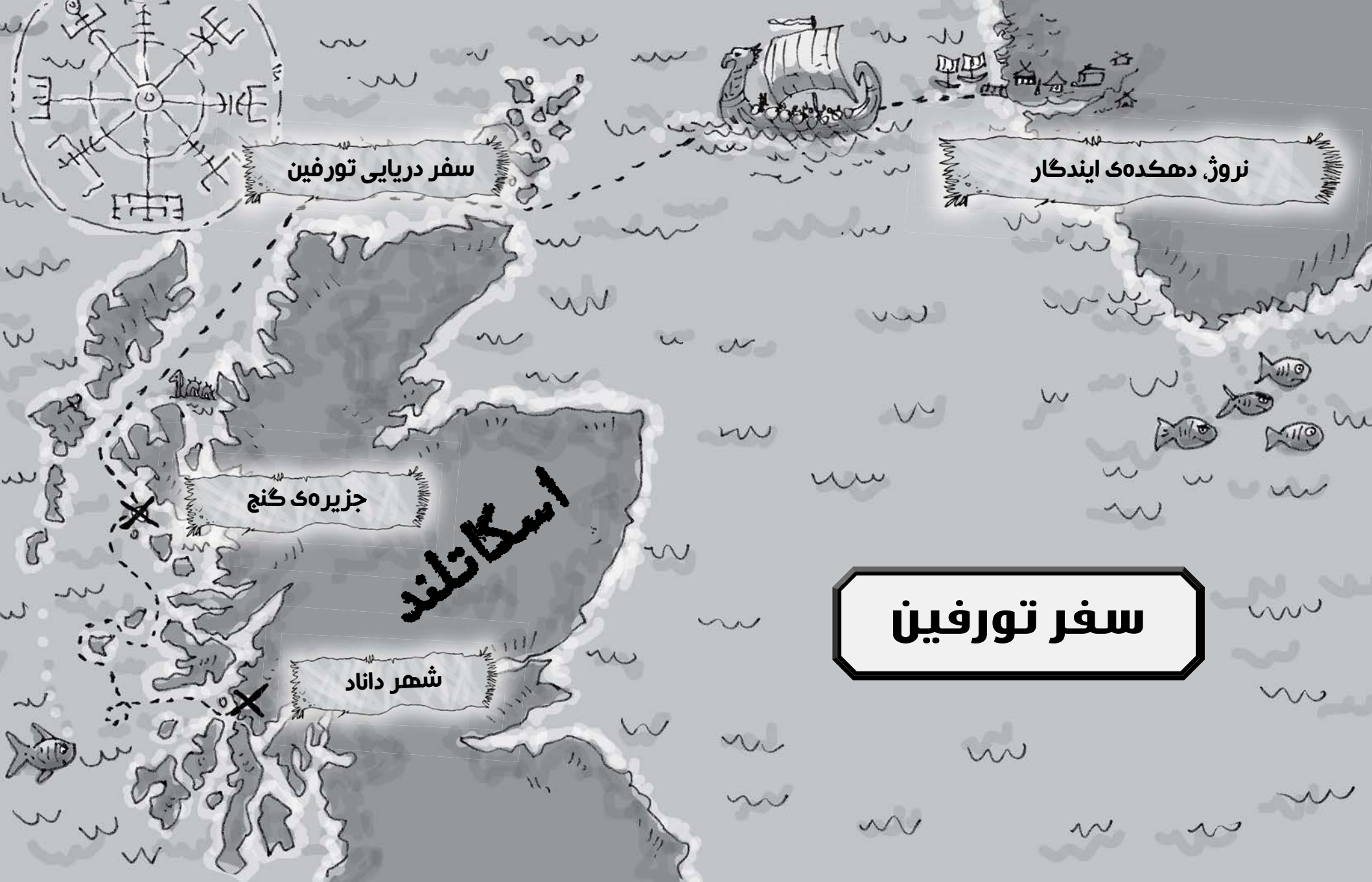
ولدا



پادشاه اَپین



پرسی  
کبوتر خانگی



سفر دریایی تورفین

نروژ، دهکده آیندگار

جزیره گنج

اسکانلند

شهر داناد

سفر تورفین

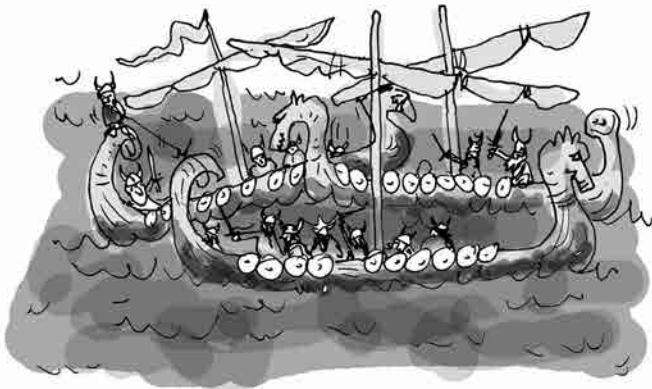


**جزیره ی  
گنج**

البته نه با پیدا کردن نقشه، که آن هم برای خودش داستان  
جالبی داشت...



و نه حتی جست و جوی گنج، که آن هم سفری طولانی پُر از  
جنگ با شمشیر و نبردهای دریایی بود...



## فصل اول



این داستان با گوزن  
پیری شروع می شود  
که روی یک تپه  
ایستاده...

شوخی کردم...  
داستان ما با نقشه‌ی  
یک گنج شروع  
می شود...





هَرولدِ جمجمه‌خُردگُن که رئیس دهکده‌ی ایندگار و یکی از مخوف‌ترین وایکینگ‌های دنیا بود، غُرّید: «معامله‌مون یادت نره!»

ریش بلند و انبوهش زیر نور آفتاب مثل طلا می‌درخشید. مگنِسِ استخوان‌خُردگُن، رئیس دهکده‌ی وِنِگار که دهکده‌ی کناری ایندگار است، هم نعره کشید: «هرچی توش بود، بین خودمون مساوی تقسیم می‌کنیم.»

این داستان با دو رئیس وایکینگ ترسناک شروع می‌شود که در دورترین جزایر غربی اسکاتلند، روی تپه‌ای از شن ایستاده بودند و افرادشان را تماشا می‌کردند. مردها گودال بزرگی توی زمین حفر می‌کردند؛ جایی که روی نقشه‌ی گنج، با حرف x علامت خورده بود. بیلچه توی خاک فرو رفت و همه نفس‌هایشان را حبس کردند، اما فقط یک پای چوبی از خاک بیرون آمد.

## هااااااااااااا!؟!

خوشبختانه، بعد از چند دقیقه حفاری، بیلچه به یک جسم سخت خورد و این‌بار وایکینگ‌ها صندوقچه‌ای از جنس چوب بلوط از خاک بیرون کشیدند. دو رئیس که دهکده‌ی جدا در یکی از فلات‌های کشور نروژ بودند، کرکس‌وار به هم نگاه می‌کردند.



کله‌اش بیرون می‌زدند: «جدی می‌گم! کاری می‌کنم که با پای خودت بری تو چاه مستراح!»  
توی گودال، مردها ماسه‌ها را از روی صندوقچه کنار می‌زدند و طنابی دورش می‌بستند که بالایش بکشند.

## بکش!

مردهایی که بالای گودال ایستاده بودند، صندوقچه را بالا کشیدند و جلوی پای دو رئیس، روی ماسه‌ها، بر زمین گذاشتند.

هرولد غرید: «یک چیزی بدین قفلش رو بشکنم!»  
یکی از مردهای گول‌پیکر اولین چیزی را که روی ماسه‌ها پیدا کرد، برداشت و به هرولد داد. همان پای چوبی بود.  
وایکینگ یک پای که تازه می‌خواست پایش را پس بگیرد، داد زد: «صبر کنین!»

چشم‌های هرولد توی حذقه برای رقیبش چرخید:  
«امیدوارم این دفعه کلکی تو کار نباشه، استخون خُرد کُن!»  
چشم‌های هرولد، وقتِ عصبانیت، بدجوری توی حذقه می‌چرخید. در افسانه‌ها آمده که وقتی چشم‌های هرولد شروع می‌کردند به چرخیدن، حتی خرس‌های گنده هم فرار می‌کردند.

«اگه کلک بزنی،

می‌بندیمت به دکل

کشتی و می‌بریمت

ته دنیا و می‌دیمت

به اژدهای دریایی که

واسه شام بخوردت.»

مگنس چشم گرداند و آه

کشید: «حالا دیگه این قدر هم داستان نساز!»

چشم‌های هرولد تندتر چرخیدند، آن قدر که داشتند از



هَرولد پای چوبی را محکم تاب داد و روی قفل فرود آورد.  
قفل خُرد شد، پای چوبی هم همین‌طور.



دو رئیس همان‌طور که نفس‌هایشان را توی سینه  
حبس کرده بودند، در صندوقچه را باز کردند.

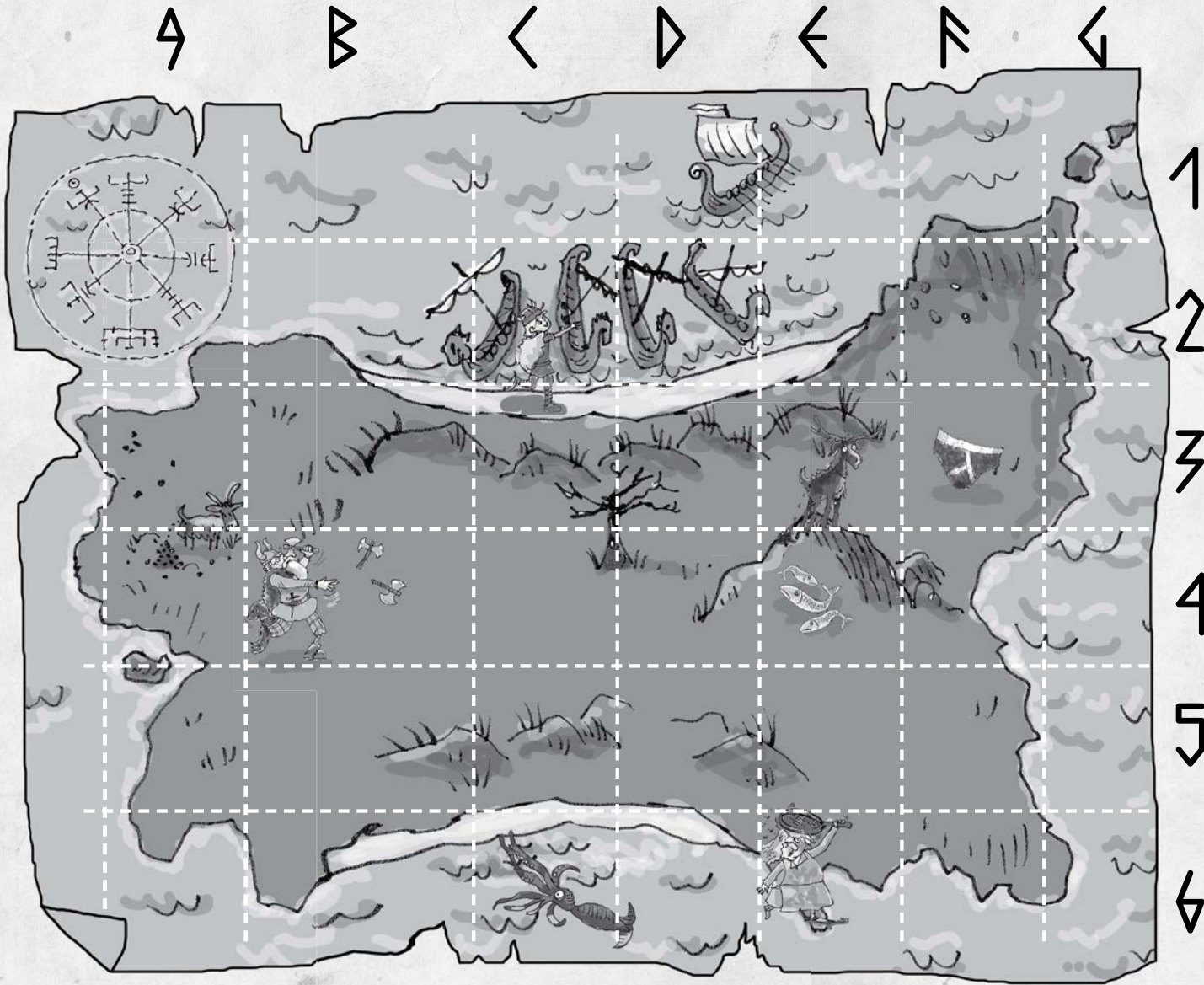
## فصل دوم

باشکوه‌ترین رؤیای وایکینگ‌ها به حقیقت پیوسته بود.  
صندوقچه تا خرخره پُر از گنج بود.



مگنس یک مشت سنگ قیمتی را چنگ زد و گفت: «حالا  
دیگه ثروتمندم. دیگه نیازی نیست برم غارتگری!»

## تورفین در جست‌وجوی گنج



- سرنخ‌ها را دنبال کنید و به تورفین کمک کنید گنج زیر خاک را پیدا کند.
- کشتی شما به جزیره‌ی گنج رسیده است. آفرین! آن را به مربع ۲ در ساحل ببینید.
  - آرام یک مربع به طرف  $\text{⌈}$  بروید. بعد سه مربع به طرف  $\text{⌈}$  بروید تا به زمین ناهموار برسید. اُسوالد داشته خودش را اینجا می‌شسته!
  - حالا اندازه‌ی یک مربع به طرف  $\text{⌈}$  از سرایشی بالا بروید. مراقب آقاگوزنه باشید.
  - حالا باید سریع از دامنه‌ی تپه پایین بروید، اما مواظب باشید روی ماهی‌ها سر نخورید.
  - به طرف  $\text{⌈}$  بروید، اما مواظب گرترو و کلوچه‌های سوسکی‌اش باشید.
  - در امتداد ساحل و در جهت  $\text{⌈}$  قدم بزنید. هیولای دریایی گرسنه را پشت سر بگذارید، بعد دو مربع به طرف  $\text{⌈}$  بروید. آه! چه بوی بدی اینجا را پُر کرده!
  - خیلی نزدیک شده‌اید. دو مربع در جهت  $\text{⌈}$  بروید و وقتی از کنار تیرهای هرولد می‌گذرید، سرتان را بدزدید.
  - گنج را پیدا کردید؟ مشخصات مربع را اینجا بنویسید و با پاسخ صفحه‌ی ۱۴۶ مقایسه کنید.

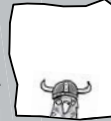
## مرکز کار یابی

برای

## وایکینگ‌ها

اسامی متقاضیان

انه چندان مناسباً کار



نام: پرسی

شغل فعلی: کبوتر

محل تولد: نروژ.

دهکده‌ی ایندگار، پرچین بزرگ

پشت خانه‌ی آهنگر

تحصیلات: مدرسه‌ی قدیمی بس

که مدرسه‌ی کبوترهاست

تخصص: دزدیدن کلوچه‌های

تورفین (بدون اینکه خودش

متوجه بشه)



نام: ولدا

شغل فعلی: وایکینگ

خشن و جنگجو. هووووو!

محل تولد: غرررر! این دیگه چه

سؤالیه؟

تحصیلات: یک‌عمر تلف کردن وقت

با گوش دادن به وراجی‌های اَسوالد

درباره‌ی جغرافیا!

تخصص: پرتاب تبر، بی‌رحمی،

ترساندن، پرتاب خودم با منجیق از

روی دیوار قلعه، تازه پرتاب ماهی‌م

هم حرف نداره!



نام: اَسوالد

شغل فعلی: دانای

دهکده‌ی ایندگار

محل تولد: یادم نمی‌آد، چون خیلی

کوچک بودم!

تحصیلات: دیپلم دانایی از مگ

دیوانه، فالگیر سرگردان اَسلو.

تخصص: قهرمان آروغ‌زنی

(باز نشسته)، مترجم (باز نشسته)،

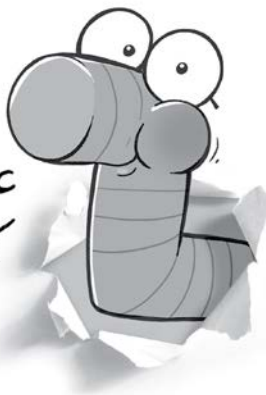
معلم، می‌تونم لگد بیرونم و ایستاده

بخوابم... خررررُفُفُف...



# عجیبه که آدمیزاد کتاب هاش رو نمی خوره!

هوپا، ناشر کتاب‌های خوردنی



نشر هوپا همگام با ناشران بین‌المللی، از کاغذهای مرغوب با زمینه‌ی کِرم استفاده می‌کند؛ زیرا:  
■ این کاغذها نور را کمتر منعکس می‌کند و در نتیجه، چشم هنگام مطالعه کمتر خسته می‌شود؛  
■ این کاغذها سبک‌تر از کاغذهای دیگر است و جابه‌جایی کتاب‌های تهیه‌شده با آن، آسان‌تر است؛  
■ و مهم‌تر از همه اینکه برای تولید این کاغذها درخت کمتری قطع می‌شود.

به امید دنیایی سبزتر و سالم‌تر